



جهد
دانشگاهي
سازمان فراين
دانشگاهيان کشور



مَدِظَلَا

سطر سطر زندگے با آيه ها

مسابقه شماره ۶۵ / يكشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

سُطْر ششم

نور ایمان

جزء ۶

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ
وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

نساء، آیه ۱۷۴

● در یک شب بسیار تاریک، وسط بیابان، فقط با یک شمع کوچک، چه می‌کنی؟ می‌ایستی یا حرکت می‌کنی؟



يَا هَلْ الْكِتَابِ لَا تَعْلَمُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
 إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ
 أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ
 انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ
 لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا
 ﴿١٧١﴾ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا
 الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ
 فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا
 الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
 وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴿١٧٤﴾
 فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ
 فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾



مفتي كليم



قرآنت تحقیق



﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ ای مردم! ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾ دلیل قاطعی، [یعنی قرآن، برای اتمام حجت و هدایت شدنن] از سوی پروردگارتان آمد. [این قرآن اتمام حجت می‌کند و بهانه‌ای برای هدایت‌نشدن باقی نمی‌گذارد] ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا﴾ و برای شما، نور مورد نیاز برای روشن ساختن مسیر زندگی‌تان نازل کردیم [که این نور، همان قرآن است]، ﴿مُتَّبِعًا﴾ نوری واضح و روشن‌کننده. [هدایت قرآن مثل نور است و برای کسانی مفید خواهد بود که ایمان واقعی داشته باشند. نور ایمان به قرآن، در هر نقطه‌ای از مسیر، ادامه مسیر را روشن می‌کند و نیازی نیست -جز به اجمال در تعیین هدف و نوید آرمان‌ها- همهٔ جزئیات مسیر را از اول نشان دهد].



ببینیم

بشنویم

بیاموزیم



فیل اندر خانه ای تاریک بود

مردمی که فیل ندیده بودند، قرار شد فیل را در تاریکی لمس و برای دیگران توصیف کنند. اولی پشت فیل را لمس کرد و گفت: فیل یک تخت است! دومی: بادبزنی است! او گوش را لمس کرده بود.

سومی: ستون! و چهارمی: ناودان!

فیل اما، هیچ کدام نبود، و هیچ یک فیل را نفهمیده بودند؛ چرا؟ چون از نور خبری نبود.

در کف هر یک اگر شمعی بدی اختلاف از گفتشان بیرون شدی حال قصهٔ این عالم و حقایق آن، همان قصهٔ تاریکخانه و فیل است و تمام اختلافات بشر ریشه در نبود شمع دارد و تا شمعی در کف نباشد، همین ماجرا جاری است و همین آتش و همین کاسه. و آدم‌ها از حقایق عالم همان قدر فاصله دارند که آن جماعت از حقیقت فیل؛ مگر کسانی که با کلام و کتاب خدا حشر و نشری داشته باشند.

قرآن در این تاریک‌خانهٔ عالم، درست وصف و مثال همان شمع در آن خانهٔ تاریک را دارد؛ لذا فرمود: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا﴾.





خیلی چیزها نمی‌گذارد که انسان بفهمد. غرور انسان نمی‌گذارد انسان بفهمد. جهالت‌ها نمی‌گذارند انسان ببیند و بفهمد. پندارها و خرافات نمی‌گذارند یک انسان یا یک ملت، حقیقت را درک کند و بفهمد. نظام‌های جائزانه نمی‌گذارند که انسان‌ها بفهمند و بدانند. حجاب‌ها و مانع‌های گوناگون، از درون و از برون، مانع می‌شوند از اینکه انسان، گوهر عقل و خرد خداداد را به کار بیندازد و بداند و بفهمد. او را در ظلمت نگه می‌دارند. انسان را در زندانی از تاریکی‌ها می‌نشانند. او را از نور، از فروغِ درک و فهم صحیح دور نگه می‌دارند.

یکی از ارکان خوشبختی انسان و از عناصر سعادت انسان این است که انسان از این ظلمت‌ها، از هرآنچه برای او ظلمت می‌آفریند، نجات پیدا کند و به نور و فروغ حقیقت راه پیدا کند و شعاعی از نور حقیقت بر دل او بتابد. پس اول، هدایت لازم است به آن معنایی که توضیح داده شده؛ دوم، نور لازم است، و این‌ها دو چیزند.^۱

در قدم اول، هیچ‌یک از رهبران و بزرگان و راهروان و دنباله‌روان نمی‌دانستند قدم دهم چیست. بنده گاهی مثال می‌زنم: می‌گویم در یک بیابانی که فرض کنید ده‌ها کیلومتر یا بیشتر، طول و عرض

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۶، ص ۱۶۸.



این بیابان است، در یک شب تاریک و مُظلم، نه ماهی، نه ستاره‌ای، جناب‌عالی دارید تنها راه می‌روید، یک دانه چراغ‌قوه کوچک، یک لامپ نمره پنچ کوچک، یک شمع کوچک هم در دست است. به شما بگویند آقا، با این شمع باید تا آخر آن بیابان بروی. شما یک نگاهی می‌کنی، می‌گویی آقا، این شمع من تا شعاع یک متر را بیشتر روشن نمی‌کند. من همهٔ این ده کیلومتر را با همین یک شمع بروم؟ این شمع من فقط یک متر را روشن می‌کند، من ده کیلومتر بروم؟ این یک منطقی است که آدم بی‌اطلاع، بی‌تجربه، ناوارد، ممکن است داشته باشد. جوابش چیست؟ جواب این منطق کور چیست به نظر شما؟^۱

همین یک متری که روشن هست برو، همین یک قدمی که می‌توانی برداری و می‌دانی کجا می‌گذاری بردار، اگر یک قدم دیگر درمقابلت روشن نشد، نرو؛ اگر شد، باز هم برو. خواهی دید که تا آخر بیابان، تدریجاً روشن خواهد شد و تو این راه را خواهی پیمود و به منزل خواهی رسید.^۲



۱. همان، جلسهٔ ۶، ص ۱۷۷.

۲. همان، جلسهٔ ۶، ص ۱۷۷.

خلاصه فصل



نگاهی به فصل ایمان و امید

تنها راه نجات انسان برای گذر از گردنه‌های سخت دنیا، بهره‌مندی از تعالیم وحی الهی در زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد. قرآن کریم، آن گنج بی‌پایان و اکسیر اعظمی است که موجب حرکت به سمت زندگی عزتمندانه در دنیا و آخرت می‌شود.

نقطه آغاز حرکت و قیام هر فرد و جامعه، ایمان است. ایمان یعنی پذیرش و پایبندی انسان به آنچه که برای آن و در راه آن سعی و مبارزه می‌کند. بدون ایمان، هر قیامی ناپایدار و بی‌فرجام و هر قیام‌کننده‌ای دل‌مرده و بی‌نشاط است. تأکید قرآن کریم بر روی "ایمان" و معرفی آن به عنوان برترین خصلت‌های آدمی، از توجه به همین نکته سرچشمه می‌گیرد.

اما ایمان واقعی چیست؟ آن وقتی ایمان راستین در کسی وجود دارد که بر اساس آن ایمان "عمل" کند. به بیان دیگر، متن زندگی فرد مؤمن، از غیرمؤمن کاملاً متفاوت است. شعاع ایمان باید در اعضا و جوارح انسان بلکه بالاتر، باید در نظامات اجتماعی جامعه انسانی ظاهر شود.

این ایمان نباید تقلیدی و یا از روی تعصب باشد؛ بلکه باید کاملاً آگاهانه و بر پایه تفکر و ادله روشن باشد. ایمانی ماندگار است که با استدلال حاصل شده باشد. در غیر این صورت با کوچکترین شبهه از بین می‌رود.



این مؤمنان هستند که در مقابل دشمنانشان و کارشکنی‌های آنان همیشه برترند. در واقع شکست‌ناپذیری و قدرتمند شدن، یکی از ثمرات ایمان حقیقی است.

البته یکی از مهم‌ترین آفات ایمان، ایمان گاه‌گاهی و دل‌بخواهی است. کسی که دنبال راحتی در دنیا باشد، دستورات سخت را از آسان تفکیک می‌کند و فقط به آن‌هایی عمل می‌کند که خطری برای دنیایش نداشته باشد! اگر کسی ایمان واقعی داشته باشد، هیچ‌گاه در بن‌بست باقی نمی‌ماند و همیشه راه خروج را پیدا می‌کند. این به آن معنا نیست که مؤمن در ابتدای مسیر، تمام راه رسیدن به مقصد را درک می‌کند بلکه مقصود این است که او در هر کجای مسیر که باشد، با نور ایمان، حداقل گام بعدی خود را می‌یابد. این هدایتی است که فقط نصیب مؤمنین می‌شود.

